

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۱۶ جنوری ۲۰۲۳



محمد محق

برای تاریخ، بایگانی کردن کارنامه طالبان

در باره مردم افغانستان گفته می‌شود که ملتی شفاهی است، یعنی سرگذشت خود را به شکل کتبی ثبت نمی‌کند تا دارای آگاهی تاریخی شود، و این یکی از علل تکرار خطاها و فاجعه‌هاست. به زبان عامیانه، از یک سوراخ چندین بار گزیده می‌شود، و هیچ‌گاه از آنچه بر سرش رفته است درسی نمی‌گیرد. اساساً علم تاریخ برای این به وجود آمد که انسان‌ها از تجربه‌های تلخ گذشته پند بگیرند و مجبور نباشند هزینه یک کار را چندین بار بپردازند.

همه تجربه‌های انسانی تلخ و ناگوار نیستند. ملت‌ها تجربه‌های خوب و خوش خود را ثبت می‌کنند تا برای‌شان مایه الهام، افتخار و اعتماد به نفس باشد. تجربه‌های دردناک اما برای این ثبت می‌شوند که تا با عبرت گرفتن، از تکرار آن‌ها جلوگیری شود. مسکوت گذاشتن روی داده‌های تلخ و پرده کشیدن بر آن‌ها نشانه فقدان شجاعت از مواجهه با حقایق و زاده فقدان درایت برای تحلیل و کشف چرایی ماجراهاست. ملت‌های رشديافته تاریخ خود را تا جایی که امکان‌پذیر است با همه جزئیات ثبت می‌کنند و اسناد آن‌ها را در کتابخانه‌ها، موزیم‌ها و آرشیوهای ملی‌شان نگاه می‌دارند، تا نسل‌های آینده با مطالعه روش‌مند آن‌ها راه خود را به سوی آینده بگشایند. از این طریق به خطاهایی که اسلاف و نیاکان‌شان کرده‌اند وقوف پیدا می‌کنند و می‌دانند که اعمال شرم‌آور آنان جایی برای افتخار ندارد. آگاهی جوامع به تاریخ گذشته کمک‌شان می‌کند که آنچه را گذشته است فراموش نکنند و هر گاه نشانه‌های اولیه تکرار فاجعه در افق زندگی اجتماعی‌شان نمایان شد پیشاپیش به اقدامات پیش‌گیرانه دست بزنند. برخورد مردم جرمنی با تاریخچه نازیسم یکی از نمونه‌های موفق و آموزنده این کار است.

تاریخ افغانستان معکوس این وضعیت است. خطاهایی که به فاجعه‌های بزرگ انجامیده و سبب بحران‌هایی در ابعاد کلان خارجی یا داخلی شده اغلب یا مسکوت گذاشته شده و یا روایتی ساختگی و تحریف‌شده از آن به دست داده شده است. تابوهای بی‌معنای فراوانی در باره تاریخ نزدیک و دور ما وجود دارد که هنوز شجاعت سخن گفتن در باره

آن‌ها را نداریم و به محض این‌که باب آن‌ها باز می‌شود از گریبان یکدیگر آویزان می‌شویم، اما از تحلیل آن‌چه گذشته است عاجز می‌مانیم.

تجربه‌های تلخ در این سرزمین کم نبوده‌اند و یکی از آخرین فاجعه‌ها حاکمیت پنج‌ساله طالبان در اواخر دهه نود میلادی بود. در آن دوره خون‌های فراوانی ریخته شد، خانه‌های فراوانی ویران گردید، زمین‌های فراوانی به آتش کشیده شد، و شهروندان روزهای بسیار سیاهی را از سر گذراندند. اما دو دهه بعد نسل جدید حتی یک در صد از آن جنایات را نمی‌دانست و هنگامی که زمان تکرار فاجعه رسیده بود بسیاری از مردم، به شمول شماری از تحصیل‌کردگان، خبرنگاران، تحلیل‌گران و فعالان اجتماعی به شکل ابلهانه‌ای از تغییر طالبان سخن می‌گفتند و راه پیروزی‌شان را هموار می‌کردند. اگر کارنامه طالبان در آن دوره مستندسازی می‌شد و در بیست سال پس از آن تصویری بی‌غبار از آن در آگاهی جمعی مردم وجود می‌داشت، حتما اراده‌ای جمعی برای جلوگیری از تکرار فاجعه پدید می‌آمد. اکنون که ابزار و امکانات بیشتری برای ثبت کارنامه طالبان وجود دارد، و هر شهروند می‌تواند با موبایل، قلم، و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی بخشی از واقعیت‌ها را به ثبت برساند، باید به بایگانی کردن کارنامه این گروه اقدام کرد. نباید هیچ چیزی از قلم بماند. باید مانند تاریخچه نازی‌ها تمام جنایات طالبان ثبت تاریخ شود. تنها ثبت فاجعه است که می‌تواند از تکرار بیشتر آن جلوگیری کند.